

بسم الله الرحمن الرحيم

## «جایگاه حکومت در اسلام بالاخص در عصر غیبت»

خلاصه فرمایشات آیه الله اراکی

(ریاست مجمع تقریب مذاهب اسلامی و عضو خبرگان رهبری)

در جمع اساتید انقلابی حوزه علمیه قم

19 اسفند 96- مؤسسه فقهی قائم عج شهر قم

**تذکر:** مطالب ذیل به صورت تلخیص سخنرانی ایشان و به صورت نقل به معناست (ضمن تلاش جهت حفظ اصل مقاصد) که در برخی موارد ترتیب ارائه مباحث نیز تغییر یافته؛

### مطلب اول: «حقیقت اسلام» از منظر امام خمینی ره

- امام خمینی ره: ایشان تعریف دقیقی از اسلام ارائه فرمودند: «الإسلام هو الحكومة بشئونها، و الأحكام قوانین الإسلام، و هي شأن من شئونها، بل الأحكام مطلوبات بالعرض، و أمور آلیة لإجرائها و بسط العدالة» (کتاب البیع، 2، 632).
- یعنی اسلام همان حکومت است ولی این حکومت نیاز به قانون دارد و احکام برای اجرای آن حکومت است نه اینکه اسلام مجموعه ای از قوانین باشد و یکی از احکامش حکومت قرار گیرد.
- این نگاه خیلی متفاوت از دیدگاه کسانی است که اسلام را به احکام و مناسکش می شناسند و حکومت را هم یکی از فروع تعطیل بردار اسلام می دانند و بعضاً می گویند: طلاب نباید وارد سیاست شوند!
- این را هم باید دانست که برخی از شاگردان امام ره هستند که نظر امام درباره «حقیقت اسلام» را به طور کامل نمی دانند چراکه معلوم نیست که «کتاب البیع» ایشان را که حاوی نکات مهمی است تدریس کرده باشند.

## مطلب دوم: «اثبات نظر امام خمینی ره از آیات و روایات»

1. خداوند «مَلِكٌ» (فرمانروا) است: «هو الله الذي لا اله الا هو المَلِكُ» (حشر، 23).
  2. خداوند در این «مَلِكٌ» (فرمانروایی) شریک نمی پذیرد: «و لم يكن له شريك في المَلِكِ» (اسراء، 111).
  3. خداوند این مُلْك را به هر کس بخواهد می دهد: «و الله يؤتي مُلْكَه من يشاء» (247 بقره).
- نتیجه سه آیه فوق این است که همه مخلوقات در «مَلِكٌ» خدا هستند و باید گوش به فرمان خداوندی باشند که «مَلِكٌ» و فرمانروا است. از سویی خدا که خود نمی آید بر مخلوقات حکومت کند لذا این فرمانروایی را از طریق فرستاده خود به انجام می رساند و آن را به هر کس بخواهد عطا می نماید، پس مردم هم باید گوش به فرمان آن فرمانروایی باشند که از ناحیه خدا منصوب شده است.
  - اگر این همه القای شبهات درباره حقیقت اسلام (یعنی فرمانروایی و حکومت) نبود، این مسائل که برشمردیم، از بدیهیات قرآن بود.
  - جمع بندی: رسول خدا هر که باشد قاعداً «مالک و حاکم» است. پس هر فرستاده ای چون فرستاده «مَلِكٌ» (خداوند) است پس فرمانروا است. لذا همه انبیا گفتند: «فاتقوا الله و اطيعون» (شعرا، 108-110-126-131-144-150-163-179 و آیاتی دیگر).
  - اینکه انبیا گفتند: «ما را اطاعت کنید» یعنی همه انبیا آمده اند برای فرمان دادن به مردم؛ پس مردم موظف هستند به فرمانبرداری از انبیا. لذا در آیه 64 نساء فرمود: «و ما أرسلنا من رسول الا ليطاع باذن الله».
  - این روایت نیز تقریباً از متواترات است: «ان بني اسرائيل يسوسهم انبياءهم، أي يتولوا امورهم كما يفعل الامراء و الولاة بالرعية» (الذريعة (شرح اصول کافی جیلانی)، 2، 25 به نقل از «النهاية»).

## مطلب سوم: آیا در عصر غیبت، می شود گفت که خدا «مالکیتش تعطیل شده»؟

- حال که ثابت شد که خداوند «مَلِک» است، پس معنا ندارد که این وصف از او سلب شود، پس در عصر غیبت کبری هم باید راهی وجود داشته باشد که خدا پرستش شود و بر بشر حاکم باشد. لذا باید حکومت اسلامی برپا شود.
- بر این اساس معنا ندارد که گفته شود خدایی که همواره «مَلِک» و فرمانروا بوده در دورانی طولانی به نام «غیبت کبری» دست از حاکمیت خود کشیده و مردم را به طواغیت واگذار کرده است تا هر که را می خواهند تبعیت کنند. این سخن مانند این است که گفته شود که خداوندی که «رِزَّاق» است در مدت زمانی طولانی دست از روزی دادن خلاص بکشد و دیگر به این وصف متصف نشود!
- طبیعی است که در عصر غیبت، کسی می تواند رهبر این حکومت باشد، که فقیهی عادل باشد و توانمند در اجرای احکام الهی.
- بدیهی است که خدا زمین خود را از چنین حاکمی خالی نمی کند و در هر عصری باید مؤمنین (به واسطه خبرگان) تلاش کنند تا این حاکم الهی را بشناسند و از او فرمان برند. خود ما در زمان رحلت امام ره تصور نمی کردیم که مقام معظم رهبری بتوانند به این خوبی مملکت را اداره کنند اما حقیقتاً اینگونه یافتیم که ایشان پس از رسیدن به مقام رهبری نظام چنان مورد تأیید الهی و امام عصر ارواحنا فداه قرار گرفتند که گویا شخص دیگری شدند. الان هم برخی دائماً می پرسند که بعد از ایشان آیا کسی هست که بتواند این کشور را اداره کند؟ جواب می دهیم که همه امید ما این است که این پرچم به دست خود ایشان به دست امام عصر عج برسد، لکن اگر این اتفاق نیفتاد باید بدانیم که قطعاً خداوند فردی دیگر را مأمور اجرای این امر الهی می کند.
- جمع بندی: خلاصه آنکه در این دوران غیبت، امام غائب است نه امامت. حکومت همچنان برقرار است.

## مطلب چهارم: فقه خرد و فقه کلان

- تا اینجا روشن شد که حقیقت دین خدا، تبعیت از ولیّ خداست و مهم ترین شأن از شئون اسلام عبارت است از «شناخت حاکم» و «تبعیت از او».
- یکی از روایات بسیار مهم در فهم فقه خرد و کلان که «حقیقت اسلام» را به خوبی نشان می دهد، این روایت از امام باقر ع است:  
«قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِأَعْدَبَنَ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَ إِنْ كَانَتْ الرِّعِيَّةُ فِي أَعْمَاهَا بَرَّةً تَقِيَّةً وَ لَأَعْفُونَ عَنْ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ دَانَتْ بِوَلَايَةِ كُلِّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ وَ إِنْ كَانَتْ الرِّعِيَّةُ فِي أَنْفُسِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً» (الكافي، 1، 376).
- ترجمه حدیث: در حدیث قدسی است که خدای متعال فرمودند: قسم می خورم که عذاب خواهیم کرد هر جماعت و امتی در اسلام را که با پیروی از امام ستمگری که از جانب خدا نیست دینداری کند، اگر چه آن قوم نسبت به سایر اعمال خویش، نیکوکار و پرهیزگار باشند؛ و قسم می خورم که گذشت می کنم از هر جماعت و مردمی در اسلام که با پیروی از امام عادل از جانب خدا دینداری کند، اگر چه آن قوم نسبت به خود در سایر اعمال دینی، ستمگر و بدکردار باشد.
- [مضمون همین حدیث در منابع دیگر هم آمده نظیر فضائل الشيعة (صدوق)، 13؛ امالی طوسی، 634 و (...)]
- مضمون این روایت در منابع اهل سنت هم آمده از جمله در کنز العمال.
- به هر حال ملت ایران راه درستی در پیش گرفته و هر کجا که ولیّ جامعه آنها را به صحنه فرا می خواند تا مشت محکمی در دهان طواغیت و در رأس آنها آمریکا بزند، این ملت در صحنه حاضر می شود. بنابراین این ملت در حوزه «فقه کلان» که تبعیت از حاکم است موفق بوده، لذا هر چند در حوزه «فقه خرد» (عمل به احکام رساله) ممکن است لغزش های زیادی هم داشته باشد اما خدا این ملت را مورد عفو خود قرار می دهد و عذاب نمی کند.

و السلام عليكم و رحمت الله و بركاته